

# کتابخانه های جهان اسلام در قرون وسطی

نوشته: محمد رستم دیوان  
ترجمه: سید حسین اسلامی

اسلام بیشترین عنایت و توجه خود را به دانش و فراگیری آن، معطوف داشته است. قرآن کریم، بی سوادان را در شمار مردگان، و دانشمندان را در ردیف زندگان قرار داده است. پیامبر اسلام (ص) نیز کسب دانش را گرامی داشته و مرکب علما را برتر از خون شهیدان دانسته است<sup>۱</sup> و راههایی را که به مراکز دانش منتهی می شوند چونان گذرگاهی دانسته که پویای آن را به آسمانها می رساند.<sup>۲</sup> خداوند آن گاه که بخواهد کسی را بزرگی بخشد، فروغ علم و شناخت را که همان شناخت دین و احاطه به اصول و فروع آن است، به او ارزانی می دارد.<sup>۳</sup>

این مطالب و آنچه که در این زمینه از تعالیم و گفته ها آمده است، اثری عمیق و به جای ماندنی در اذهان جامعه مسلمین، به جای گذاشته است. اسلام، در بخش کوتاهی از تاریخ، دانشمندان نام آوری چون: «ابن شهاب زهری» و «محمد بن جریر طبری» و عده ای دیگر از دانشمندان نکته سنج و نقاد را به جامعه عرضه داشته است.

دانشمند گرانقدر «زهری» در دوره آغازین حکومت امویان، به بررسی علوم و تألیف آثار دینی پرداخت.

گویند روزی همسر زهری وارد اتاق او شد و او را مخاطب قرار داد و چنین گفت: «به خدا این کتابها در نظر من غیر قابل تحمل تر است از هوویی که با من در یک خانه زندگی کند.»<sup>۴</sup>

از دیگر سو، نیکلسون درباره تاریخنگار و مفسر بزرگی چون، محمد بن جریر طبری است که می گوید: «طبری نزدیک به چهل سال از عمر خود را صرف نوشتن کرد و هر روز چهل صفحه می نگاشت». در تاریخ معروفش نیز کار را با آغاز آفرینش شروع کرد و تاروکار خود به پایان برد. این کتاب از چنان وزانت و پیچیدگی برخوردار بود که شاگردان طبری، از خواندن آن عاجز آمدند و او ناچار شد که آن را مختصر کند. این اثر، امروزه به نام «تاریخ طبری» یا «تاریخ الرسل و الملوك»<sup>۵</sup> معروف است.

گویند طبری این دانشمند گرانمایه در تحریر آثار خود، از قلم نی استفاده می کرد و هرگاه که قلمها را می تراشید و برای نوشتن آماده می ساخت، تراشه قلم را در گوشه ای از کتابخانه بزرگ خود، جمع می کرد. او پیش از مرگ، به شاگردانش سفارش کرد تا تراشه های قلمها را به عنوان سوخت به کار گیرند و آب غسل او را با آتشی که از تراشه ها فراهم آمده است، گرم کنند.<sup>۶</sup>

این عشق و شیفتگی نخستین طبقه از مسلمانان نسبت به دانش و شناخت آن، به ایجاد کتابخانه ها ضرورت بخشید. در پی درک این ضرورت، در سده دوم هجری کتابخانه هایی در سرتاسر امپراتوری اسلامی احداث و تأسیس شد. از نخستین مسلمانانی که اولین کتابخانه ها را ایجاد کردند و به جمع آوری منابع برای ترجمه به زبان عربی اقدام کردند، «خالد بن یزید» (۷۰۴م) بود.<sup>۷</sup> خالد نخستین مسلمانی بود که پس از فراگیری علم شیمی نزد راهبان یونانی به تدریس آن پرداخت.

۱. المشكاة، كتاب العلم.

۲. همان.

۳. همان.

۴. همان.

۵. همان.

۶. همان.

۷. ابن ندیم، الفهرست.

ابن ندیم، (۹۸۷م). شخصاً از کتابخانه خالد بن یزید دیدار کرده است.<sup>۸</sup> او کتابهای ارزشمندی را در علوم پزشکی، جراحی، ستاره‌شناسی و شیمی در این کتابخانه دیده است. کتابخانه سلطنتی در روزگار خلافت عمر بن عبدالعزیز بخشی از کتابخانه خالد بن یزید بن معاویه، به شمار می‌رفت (۷۰۴م). ایجاد و تحول کتابخانه‌ها پس از آن، همچنان ادامه داشت. این کتابخانه‌ها در آغاز بیشتر در بردارنده دیوان اشعار شاعران پیش از اسلام بودند که در توصیف فتوحات و پیروزیها و نیز انساب عرب سروده شده بود. بعدها علما به تدریج به تألیف آثار جدیدی در زمینه فقه، تفسیر، تاریخ، سیره و علم کلام نیز پرداختند.

در سال ۸۷هـ. بنا به دستور و درخواست ولید اول (۷۰۵-۱۵م.)، عبدالله بن مالک، به ترجمه دفاتر دیوانی مصر به زبان عربی پرداخت. در روزگار هشام بن عبدالملک (۱۰۵-۱۲۵هـ. / ۷۲۳-۷۴۲م.) نیز دفاتر دیوانی رسمی که به زبان سریانی نگاشته شده بود، به عربی ترجمه شد.<sup>۹</sup> وی همچنین در سال ۱۱۳هـ. / ۷۳۱م. به «سالم» رئیس منشیان خود دستور داد تا تاریخ شاهان ایرانی را به عربی ترجمه کند. این آثار ترجمه شده، شامل عکسهایی از شاهزادگان پارسی نیز بود.<sup>۱۰</sup>

در دوران حکومت عباسیان، مسلمانان تحولاتی بزرگ در زمینه فعالیت‌های فکری و بحث در تصورات ایجاد کردند. از این رو کتابخانه‌هایی بزرگ برپا داشتند و معارف تازه‌ای را به دانش و علوم انسانی از قبیل: جغرافیا، شیمی، پزشکی و ...، افزودند. مأمون، خلیفه عباسی (۷۵۴-۷۵۷) از پیشگامانی بود که به دانش و دانشمندان توجه فراوان داشت. وی دستور داد تا کتابهای ادبی و علمی که به زبان بیگانه نوشته شده بود، به عربی ترجمه گردد. در روزگار او، کتب حاوی احادیث، گردآوری شدند و همچنین نسخه برداری و تکثیر کتابهای فقه اسلامی انجام پذیرفت. ترجمه تاریخ «ساسیکی» ایران باستان که از کتابهای مقدس پارسیان به شمار می‌رفت نیز در دوره مأمون صورت گرفت و عده‌ای از دانشمندان مسلمان و مسیحی به ترجمه کتابهایی که به فارسی به رشته تحریر درآمده بود، پرداختند. بدین ترتیب دانشهای فراوانی در زمینه مطالعات و تحقیقات به دست آمد.<sup>۱۲</sup>

از جمله آثاری که در روزگار مأمون به عربی ترجمه شد، می‌توان به کتابهای هفتگانه «مانی» اشاره کرد. این اقدام در سال ۲۱۵هـ. صورت پذیرفت<sup>۱۳</sup> و «ابن ندیم» در «فهرست» خود، بسیاری از این مترجمان بلندآوازه<sup>۱۴</sup> را نام برده است. افزون بر آثار ترجمه شده در این دوران، مترجمین همچنین به ترجمه نامه‌ها و یادداشت‌هایی که به شاهان ایرانی چون: انوشیروان، هرمز و اردشیر ارسال می‌شد، اقدام می‌کردند. به رغم اینکه در آن زمان مسلمانان نسبت به داستان و داستانسرای توجیه‌چندانی نشان نمی‌دادند، ولی از خلق و ابداع در این نوع ادبی نیز فروگذار نبودند.<sup>۱۵</sup>

استادان و معلمان هندو، گروه گروه به سوی دربار خلیفه عباسی در بغداد سرازیر می‌شدند و مورد تکریم خلفای عباسی قرار می‌گرفتند. این احترام به دلیل آن بود که ترجمه پاره‌ای از کتابها را از زبان سانسکریت به آنان واگذار شده بود. عده‌ای از این استادان هندو، به منصبهای پراهمیتی در دربار دست یافتند.

در سال ۷۷۳م. کتابی در زمینه ستاره‌شناسی از دانشمند فلکی «سیدانتا» توسط «فرضی» به عربی ترجمه شد و علاوه بر آن نزدیک به هزار کتاب اصیل و معتبر در این زمینه، به دانش دوستان عرضه شد.<sup>۱۶</sup>

۸. فیلیپ حتی، تاریخ العرب، ص ۱۶۶.

۹. مقالات شبلی، عزام کاره، (هند: ۱۹۵۱) جلد ۶، ص ۷۴.

۱۰. همان.

۱۱. همان.

۱۳. مانی در دوران حکومت شاپور بن اردشیر، ادعای پیامبری کرد و عده زیادی از وی پیروی کردند؛ ولی او به وسیله یکی از شاهان ایران به قتل رسید.

۱۴. مقالات شبلی، ج ۶، ص ۱۰، عبدالله بن مقفع، هم اوست که کلیله و دمنه، خدای نامه و عین نامه و ... را ترجمه کرد. جبرائیل نیز کتابهای زیادی در علم طب ترجمه کرد و بطریق که مسیحی است نیز کتابهایی چند را ترجمه کرد.

۱۵. ابن ندیم، الفهرست، ص ۳۰۴. هزار داستان (الف لیله و ...) به عربی ترجمه شده است.

۱۶. عبدوس صبح قاسم، مقاله مکتوبات العالم الاسلامی القدم (کتابخانه‌های جهان اسلام قدیم).

مجله Journal of Peshawar university (Pakistan) ژانویه ۱۹۸۵

در روزگار هارون الرشید ۷۸۶ م. تحول شگرفی در زمینه کتابخانه رخ داد. وی کتابخانه مشهور و نامی «بیت الحکمه»، را که یک کتابخانه آکادمیک بود، در بغداد تأسیس کرد. همچنین بخشی برای ترجمه برپا کرد و نیز نام آورانی چون: اَصمعی نحوی (ادیب)، شافعی، عیسی بن یونس صوفی، سفیان ثوری، موسیقیدان نامی ابراهیم موصلی، و جبرئیل بن بخیشوع پزشک را یک جا گرد آورد. ۱۷ از کارهای ادب دوستانه این خلیفه، گردآوری و ترجمه تعدادی از کتابهای یونانی و ادبیات شرق بود. ۱۸

یحیی بن خالد برمکی وزیر هارون الرشید، نمایندگان را به قصد دعوت از استادان گرانقدر، پزشکان بلندآوازه و فیلسوفان، به مصر روانه ساخت. وی آنان را به دربار هارون فراخواند. در پی این اقدام، بغداد خاستگاه دانش و شناخت گردید. آنچه که قابل توجه است این است که خلیفه، هیچ گونه تبعیضی در نژاد، اندیشه، عقیده، رنگ و ملیت نسبت به مترجمین، اعمال نمی کرد. به کار گماردن «ابان شعوبی» - که از دشمنان سرسخت عرب و عربیت بود - را در کتابخانه حکومتی می تواند نمونه ای از این روحیه باشد. ۱۹ در همین دوران تاریخ نگار عرب، «عمر واقدی» (۷۳۶-۸۱۱ م) معادل باریکصدویست شتر، در کتابخانه شخصی خود، کتاب داشت. ۲۰

مأمون خلیفه عباسی (۸۱۳-۸۴۷ م) که دوران زمامداریش به دوره طلایی شهرت داشت، اقدام به گسترش و توسعه «بیت الحکمه» کرد که توسط پدرش هارون الرشید احداث شده بود. در باروی هماره محل تجمع استادان، شاعران، پزشکان و فیلسوفان نامی بود. اینان از سراسر گیتی گرد آمده و دارای عقاید و ملیتهای گوناگون بودند. مأمون بدون توجه به ملیت و سایر خصوصیات آنان، به آنها اموال فراوانی بخشید. همچنین مورخان، فلاسفه، نحویان و گردآورندگان حدیث را که در پایتخت و مرکز حکومت او گرد آمده بودند، مورد عطایا و بخشش فراوان قرار می داد.

از جمله اقدامات مأمون، گردآوری دفاتر دیوانی دوران جاهلیت عرب بود و نیز با جمع آوری اشعار شاعران پیشین عرب، نامه ها و پیمانهای آرشییوی، به کتابخانه «بیت الحکمه» غنا بخشید.

از پیشگامان در ترجمه در این انجمن علمی «بیت

الحکمه» ابویحیی بن بطریق (۷۰۶-۷۹۶ م)، از دانشمندان یونان بود. این برهه زمانی، توأم با حرکت بارز و مهمی در تاریخ اسلام بود و با عرضه آثار ترجمه شده و حضور فعال مترجمان از برجستگی ویژه ای برخوردار شد.

همچنین، مأمون، حنین بن اسحاق را (۸۰۹-۸۷۷ م) - که مترجمی چیره دست بود - به عنوان یکی از یاران نزدیک خویش برگزید. او همچنین کتابهای خود را که از فارسی، سانسکریت، قبطی و یونانی به عربی ترجمه شده بودند، با طلا تزیین می کرد. ۲۱

از این مترجمان، می توان به یوحنا - که مترجم بزرگ این آکادمی «بیت الحکمه» بود - اشاره کرد. او فیلسوفی بزرگ بود و ۱۲۱ جلد کتاب از جالینوس (۲۰۰-۱۰۰ قبل از میلاد) ترجمه کرد.

کندی، این فیلسوف بزرگ (۸۱۳-۸۷۴ م) از دیگر اعضای این انجمن علمی بلندآوازه، بود. ۲۲ او افزون بر فعالیت و اشتغال در زمینه ترجمه، در بحث و بررسی و همکاری بنیادین با نظارت استادانی چیره دست بود. او با گشاد دستی به تشویق و ترغیب نویسندگان می پرداخت. پی آمد این اقدامات به وجود آمدن تعداد بیشماری از کتابها در زمینه ریاضیات، هندسه، فلک، رصدگیری، علم بصریات\*، مکانیک، پزشکی و ... بود. تمامی این دانشها و کتابها با هدف آگاهی خوانندگان گردآوری و عرضه شدند. ۲۳

«برازی» متوفای سال ۹۲۵ م. که از دانشمندان فیزیک بود، افزون بر دوستان جلد کتاب برای «بیت

۱۷. فیلیپ حتی، تاریخ العرب، ص ۳۰۹.

۱۸. اثر آلفرد هسل، ترجمه رویین بیس، تاریخ المکتبات، ص ۳۰.

۱۹. ابن ندیم، الفهرست، ص ۱۲۴۵.

۲۰. جی. دبلیو. تامسون. مکتبات المسلمین فی العصر الوسيط، ص ۵۱-۳۵، نیویورک.

۲۱. فیلیپ حتی، تاریخ العرب، ص ۳۱۲-۳۱۳.

۲۲. سید امیرعلی، تاریخ الساراسانس، ص ۲۷۹.

\* علم البصریات، بخشی از فیزیک است که درباره قانون نور و دیدن، گفتگو می کند، المنجد، ماده علم.

۲۳. تامسون، تاریخ المکتبات فی العصر الوسيط، ص ۵۱-۳۵، نیویورک.

می‌رفتند. صفی‌الدوله، یکی از استادان رامتولی کتابخانه خویش کرد. ۳۰

سلطان «عضدالدوله بویه» که خود شاعری بزرگ و استاد ادب بود، کتابخانه‌ای سترگ تأسیس کرد. کتابهای فراوانی برای این کتابخانه جمع‌آوری شد. این کتابها در موضوعات گوناگون و مربوط به آغاز دوره‌های اسلامی تا روزگار خود او بود. علامه «بشاری» در توصیف این کتابخانه چنین می‌گوید: «این کتابخانه بهشت روی زمین است». کتابخانه یاد شده که بسیار زیبا، دل‌انگیز و باشکوه بود، در کاخ قرار داشت و دربردارنده کتابهای فراوانی بود. قفسه‌های این کتابخانه به عرض سه یارد [۷۰/۲ متر] و ارتفاع قامت انسان و چوبهای به کار رفته در ساختن این قفسه‌ها، از بهترین چوبها و مزین به طلا بود. این کتابخانه همچنین دارای سالن مطالعه‌ای جدای از مخزن و فهرستهای موضوعی بود که یک متولی، بر امور آن اشراف داشت. کتابخانه یاد شده را یک صندوق دار و چند کارمند، اداره می‌کردند. هرگز به کسی اجازه داده نمی‌شد که از در اصلی کتابخانه وارد آن شود. ۳۱

«عضدالدوله بویه» کتابخانه دیگری در بصره داشت که برای مطالعات و تحقیقات استادان باز بود و در آن ترتیبی اتخاذ شده بود که مطالعه کنندگان نسخه برداران براحتی بنشینند. ۳۲

در بصره کتابخانه دیگری به نام «خزانة الوقف» وجود داشت. این کتابخانه توسط «علی بن ساوار کاتب» ۲۴. همان.

۲۵. مقالات شبلی، ج ۶، ص ۱۰۸-۱۰۷.

۲۶. همان، ص ۱۸۵.

\* رویه، واحد پول هندوستان است. این پول توسط انگلیسیها زمانی که این شبه قاره را به اشغال خود درآورده بودند وارد آن کردند. هر رویه معادل ۷۵ فلس\* [عراقی] است و همچنان در هند، پاکستان و بنگلادش، رایج است. هر پنجاه فلس معادل یک درهم و هزار فلس معادل یک دینار عراقی است. م.

۲۷. ابن ندیم، الفهرست.

۲۸. ۱. س. قاسمی، المکتبات فی العالم الاسلامی، نشریه دانشگاه پیشاور، پاکستان.

۲۹. مقالات شبلی، جلد ۶، ص ۱۶۱.

۳۰. سید امیرعلی، روح الاسلام، ص ۳۷۳؛ تاریخ الساراسانس، ج ۶، ص ۴۶۹.

۳۱. مقالات شبلی، جلد ۶، ص ۱۶۰-۱۶۲.

۳۲. ۸۰۰-۱۲۵۰م. دانشگاه کولرادو ۱۹۶۴، ص ۶۷-۷۰.

الحکمه» نگاشت. ۲۴ همچنین «ابن ابی الحارث» که از ماهرترین صحافان آن دوره بود، به عنوان صحاف، برای این کتابخانه برگزیده شد.

با اندکی تأمل در موقعیت شهر بغداد، می‌توان به عظمت و شکوه کتابخانه مأمون و شمار کتابهای موجود در آن، پی برد. این کتابخانه، به رغم آنکه بارها در معرض غارت قرار گرفت و کتابهای آن به سرقت رفت، با این حال، کتابهایی که تا قرن هفتم هجری، صحیح و سالم بر جای ماند، بسیار زیاد بود. ۲۵. جای بسی خوشبختی است که «ابن ابی عصبیه» بر باقیمانده کتابها دست یافته و در شرح حال «حسین بن اسحاق» از آنها نام برده است.

از روزگار مأمون، اقدام به جمع‌آوری و نگهداری کتاب در سراسر بغداد، به صورت یک حرکت همگانی درآمد. بیشتر وزرا، وابستگان به دربار و امرای لشکری، هریک کتابخانه‌ای مخصوص به خود داشتند که با صرف هزینه سنگینی فراهم آمده بود. وزیر متوکل فتح بن خاقان (۸۴۷-۸۶۱م) با ساختن کتابخانه بزرگی، یحیی بن منجم (متوفای ۸۸۸م) را برای نظارت بر امور آن، گماشت. این کتابخانه در آن روزگار در نوع خود یگانه و منحصر به فرد بود.

در دوران واثق، محمد بن عبدالملک زیات وزیر واثق ۲۶، هر ماه مبلغ ده هزار روپیه\* هزینه ترجمه و نسخه برداری کتابها می‌کرد.

رافدی (متوفای ۸۲۲م) نیز در کتابخانه‌اش، ششصد رف (طاقچه) پر از کتابهای گوناگون داشت. او چند سالی پیش از مرگش، بخشی از کتابخانه خود را به دو هزار قطعه (سکه) طلا فروخت. ۲۷

کتابخانه «دارالعلم» موصل، از جمله کتابخانه‌هایی که «ابوالقاسم جعفر بن محمد بن حمدان موصلی» (۸۵۴-۹۳۴م) آن را بنا نهاد. ۲۸ این شخص، در معرفت و دانش دوستی، سر از پانمی شناخت. پیوسته عده زیادی از شاعران و استادان، در دربار او، حضور داشتند. همچنین صفی‌الدوله و برادرش، عطشی سیری ناپذیر در گرد آوردن کتاب برای کتابخانه خود داشتند. ۲۹ هر دو برادر از شاعران ستوده دوره خویش به شمار

کتابخانه‌های جهان اسلام در قرون وسطی

(متوفای ۹۸۲ م.) که از افراد حکومت عضدالدوله بود، تأسیس شد. این کتابخانه دربردارنده پاره‌ای از کتابهای کمیاب بود و تاروکار «حریری» (متوفای ۱۱۲۲ م.) پابرجا بود.<sup>۳۳</sup>

این احتمال وجود دارد که «شاپور» پسر «اردشیر» فرمانروای بویهی در سال ۹۲۲ م. در بغداد کتابخانه‌ای به نام «دار العلم» تأسیس کرده باشد. این کتابخانه که کتابهای زیادی در خود داشت، برای استفاده عموم فراهم آمده بود. این نخستین کتابخانه عمومی است که در میان مسلمانان و در قرون وسطی به وجود آمده است.

در سال ۱۰۰۴ م. حاکم مصر حکیم «عمر بله»، کتابخانه بزرگی ساخت که مردم زیادی به آن مراجعه می‌کردند. مراسم افتتاح این کتابخانه، با شکوه و شوکت همراه بود. در این کتابخانه، کاغذ، مرکب و دیگر لوازم به طور رایگان در اختیار خوانندگان قرار می‌گرفت. در سال ۱۰۰۹ م. کتابفروشی و مغازه‌های متعددی برای تأمین نیازهای این کتابخانه، وقف شد که عایدات آنها هزینه این مرکز علمی می‌شد.<sup>۳۴</sup>

از آن روزگار بود که ایجاد و تأسیس کتابخانه‌های عمومی اقدامی فراگیر شد. در این راستا، کتابخانه‌های بی‌شماری در سراسر جهان اسلام به وجود آمد.

در قرن یازدهم میلادی تمایل شدیدی به ایجاد دانشگاه در جهان اسلام به وجود آمد. این امر مستلزم ایجاد حداقل یک کتابخانه برای هر دانشکده و یا دانشگاه بود.<sup>۳۵</sup> «نظام الملک» وزیر فرهنگ دوست آن زمان، زبده‌ترین استادان را نزد خود فراهم آورد که در میان آنان، اخترشناس، شاعر و تاریخ‌نگار نیز وجود داشتند. نظام الملک، مدرسه نظامیه بغداد را تأسیس کرد و در کنار آن نیز کتابخانه‌ای بنا نهاد. او طی فرمانی عمومی به سراسر جهان اسلام، دستور داد تا در کنار هر انجمن علمی و آکادمی، کتابخانه‌ای تأسیس شود. نتیجه این اقدام گسترش کتابخانه در سراسر ممالک اسلامی بود؛ تا آنجا که در هر مسجدی هر چند کوچک و حتی تنها با یک کلاس درس، کتابخانه‌ای ساخته شد.<sup>۳۶</sup>

همچنین کتابخانه‌ای به نام «خزانة الکتب» به سال ۱۰۶۶ م. در کنار آرامگاه و مدرسه ابوحنیفه، توسط خوارزمی ساخته شد. این کتابخانه تا به امروز در



۳ کیلومتری بغداد و نزدیک قبر ابوحنیفه پابرجا و حاوی مقدار قابل توجهی کتاب است.<sup>۳۷</sup>

از دیگر کتابخانه‌ها، مخزن و کتابخانه مسجد زیدی است. این کتابخانه به دست شریف زیدی (۱۱۳۴-۱۱۷۹ م.) ساخته شد. شریف، از خلیفه وقت مبلغ دوهزار دینار برای گذران زندگی شخصی خود دریافت کرد؛ ولی ترجیح داد تا با این پول، قطعه زمینی

۳۳. ۱. س. قاسم، نشریه دانشگاه پشاور، المکتبات فی العالم الاسلامی.

۳۴. مقالات شبلی، جلد ۶، ص ۱۶۷.

۳۵. همان.

۳۶. همان، ص ۸۶۷.

۳۷. ۱. س. قاسم، المکتبات فی العالم الاسلامی.

عایدات حکومتی کفایت نظر او را تأمین نمی کرد. او عده ای از عوامل دولتی و بازرگانان را در شهرهای اسپانیا، سوریه، مصر، بغداد، فارس و خراسان به خرید و جمع آوری کتابهای کمیاب و گران قیمت واداشت. البته جدید یا قدیمی بودن کتابها نزد او تفاوتی نداشت.

زمانی که ابوالفرج اصفهانی (متوفای ۱۹۶۷ م.) کتاب مشهور خود «الأغانی» را به پایان رساند، حکم نماینده ویژه ای را نزد او فرستاد تا او کتاب خود را پیش از تکثیر و توزیع، در کتابخانه حکم ثبت کند. ۴۳ بدین ترتیب، نخستین نسخه این کتاب، به چهار هزار روپیه خریداری گشت و در کتابخانه حکم قرار گرفت.

ابن خلدون و ابن ابار به توصیف کتابخانه حکم پرداخته، می گویند: علاوه بر فهرستی که در آن به چهارصد هزار کتاب موجود در کتابخانه، اشاره شده است، دیوان های اشعاری که در کتابخانه وجود دارند، هشتصد صفحه از فهرست کتابخانه را به خود اختصاص داده اند. ۴۴

از جمله مؤسسه های آموزشی که در جهان، در عهد حکومت «حکم دوم» تأسیس شد، دانشگاه مشهور قرطبه در کنار مسجد جامع آن شهر است. دانشجویان مسیحی و مسلمان نه تنها از اسپانیا و اروپا، که از آفریقا، آسیا نیز به سوی این دانشگاه، سرازیر شدند. ۴۵ این دانشگاه، دارای بزرگترین و غنیترین کتابخانه های جهان بود. ۴۶

حکم دوم همچنین با سخاوت و گشاده دستی، برای کتابهای نسخه برداری شده، مبالغه هزینه می کرد. وی نمایندگانی داشت که در کتابفروشیهای اسپانیا، بغداد، دمشق، قاهره و اسکندریه به جستجوی کتابها

در شرق بغداد خریده و کتابخانه دیگری بر کتابخانه های بغداد بیفزاید. ۳۸

همچنین از این قبیل آثار، کتابخانه ریاط خاتون سلجوقی است که از جمله موقوفات خلیفه «الناصر لدین الله» (۱۱۸۰-۱۲۲۵ م.) است. این کتابخانه بر آرامگاه «سلجوقه خاتون» همسر «ناصر» ایجاد شد. کتابهایی که در این کتابخانه قرار داشت، برگزیده ای از کتابهای شخصی خلیفه بود.

وزرای دربار عباسیان، اکثراً کتابخانه هایی مخصوص به خود داشتند. ۳۹

«مستنصر» عباسی (۱۲۲۶-۱۲۴۲ م.) با احداث دانشگاه مستنصریه و کتابخانه وابسته به آن در سال ۱۲۳۳، املاک و زمینهایی را جهت تأمین مخارج دانشگاه و کتابخانه مربوط به آن وقف کرد. قیمت این موقوفات ده میلیون سکه طلای رایج آن روز، برآورد می شود. بنا به گفته ابن اثیر، این دانشگاه در سراسر گیتی منحصر به فرد بود و کتابهای موجود در کتابخانه دانشگاه، به هشتاد هزار جلد می رسید. ۴۰ در آن روز تنها در بغداد، ۳۶ کتابخانه عمومی وجود داشت. ۴۱

کتابخانه دیگری نیز در دوران عباسیان و از سوی وزیر عباسی، «ابن علقمی» تأسیس شد. شمار کتابهای این کتابخانه، به چهارصد هزار جلد می رسید و از کتابخانه های عمومی دوران عباسیان به شمار می رفت؛ ولی تمامی این کتابخانه ها، در اثر تهاجم مغول به بغداد، در سال ۱۲۵۸ م. ویران و نابود شدند. ۴۲

به وجود آمدن این کتابخانه ها، اشتیاق مردم غرب را نیز برانگیخت. در اسپانیا، حکم دوم، بیشترین اشتیاق را در تأسیس کتابخانه، از خود نشان داد. ابن خلدون (متوفای ۱۴۶۰ م.) و مقری (متوفای ۱۱۳۱ م.) از کتابخانه های اسپانیا بسیار گفته و نوشته اند.

«حکم» خلیفه بلندآوازه اموی، فردی دوراندیش و از استادان رتبه اول بود. وی علاقه جدی و فراوانی به جمع آوری کتاب داشت. این علاقه او به حدی بود که

۳۸. همان.

۳۹. همان.

۴۰. ابن ندیم، الفهرست.

۴۱. شمس الحق، ص ۱۱۶.

۴۲. جی. دبلیو. اف. تامسون، المكتبات المسلمین فی العصر

الوسیط، فصل ۱۲.

۴۳. مقالات شبلی، جلد ۶.

۴۴. همان.

۴۵. محمد عبدالقادر، مسلم کرتی، کلکتہ، هند، ۱۹۳۱.

۴۶. فیلیپ حتی، تاریخ العرب، ص ۵۳۰.

می پرداختند. از این رو به کتابهایی که اختصاصاً برای کتابخانه وی تألیف شده بود و نیز کتابهای زیادی که برای این کتابخانه، استنساخ شده بودند دست یافت. از جمله این کتابها، آثاری بودند که درباره «اوقات» به بحث پرداخته بودند که می توان به کتاب «اوقات الصناعات» اثر «ابوالحسن عریب بن سید» (متوفای ۹۸۰-۹۸۱ م.) اشاره کرد. نویسنده، این کتاب را در سال ۹۶۱ م. و در شهر قرطبه (کردوبا) به رشته تحریر درآورد. این اثر، در سال ۱۸۷۳ م. توسط «دوزی» تنقیح و به لاتین ترجمه شد. ۴۷

استادان معاصر عرب، از مجموعه کتابهای ارزشمند کتابخانه «حکم دوم» بسیار سخن به میان آورده اند. بنابر گفته این افراد، کتابخانه «حکم»، بزرگترین گنجینه کتب سلطنتی، در قرون وسطی بوده است. ۴۸ «حکم» علاقه شدیدی به تنظیم و تزیینات هنری کتابخانه خود داشت ... بنابر همین علاقه، عده ای از صحافان چیره دست و ماهر را برای این امر به کار گمارد. همچنین اتاقهایی را برای استنساخ و تزیین و صحافی کتابهایی که با آب طلا نگاشته و با عکسهای زیبایی تزیین شده بودند، اختصاص داد.

افزون بر آنچه درباره علاقه «حکم» به کتاب و جمع آوری آن گفته شد، او استاد و تاریخنگار نیز بود. وی در پایان هر کتاب - که دارای چند برگ سفید بود - نظرات زیادی از خود، بر جای گذاشته و حواشی باارزشی بر هریک از کتابها زده است. ۴۹ حکم همچنین کتابی نوشت شامل نام نویسندگان، القاب، نام خانواده آنان، قبیله آنان و تاریخ تولد و مرگشان. تنها حکم بود که تا این مرحله از اطلاعات در تاریخ، ادب و علم انساب بهره مند بود. این اطلاعات به قدری دقیق و معتبر بود که استادان و دانشمندان اخیر آن را پذیرفته اند و اذعان داشته اند که این معلومات از درستی و دقت برخوردارند.

در روزگاری که چون امروز صنعت چاپ و نشر وجود نداشت، حکم توانست چهارصد جلد کتاب فراهم آورد. ۵۰

در روزگار «حکم دوم» زنان نیز از دانش و شناخت بهره مند بودند. زنان این دوره، توانستند خود را وقف دانش و درس کرده و افتخار فراگیری دانش را نصیب خود سازند. در نتیجه، زنان زیادی در اثر نوشتن مقالات ادبی و سرودن شعر به شهرت بسزایی دست یافتند.

در میان دختران و کنیزکان دربار حکم کسانی بودند که بهره فراوان از دانش کسب کرده بودند. از جمله آنان، فاطمه، دختر یکی از کارکنان دربار حکم به نام زکریا بود. وی استنساخ آثار متعددی را برای خلفا انجام داد. فاطمه، علوم چون: دستور زبان عربی، علم الحساب و علوم دیگر را فرا گرفته بود. او همچنین به شعر و لغ خاصی داشت، تا آنجا که در کاخ کسی یافت نمی شد که بتواند با او در شیوایی سخن، به رقابت پردازد. ۵۱

احمد بن محمد قرطبی، دختری داشت به نام عایشه. عایشه، به دلیل مهارت در سرودن شعر و بیان آن، شهرت فراوانی یافت. وی کتابخانه ای درخور توجه داشت. ۵۲ همچنین در دوران حکومت حکم دوم، هفتاد کتابخانه عمومی وجود داشت که به مسجد بزرگ قرطبه وابسته بود. ۵۳

همچنین در کتابخانه شخصی ابن عباس وزیر که از شهر «المریه» اسپانیا بود، چهار هزار کتاب وجود داشت. ۵۴ گفته اند که در عهد حکم در سراسر کشور انبارهای پر از کتاب وجود داشت و کتاب همچون سایر کالاها در سطحی وسیع در بازارها برای فروش، عرضه می شد. پس از حکم، نوبت زمامداری، به حاجب منصور رسید. او نیز، استادان و طالبان علم را گرامی می داشت.

۴۷. اس. ام. امام الدین، المكتبات العربية فی اسبانیة، کراچی، ۱۹۶۱.

۴۸. مقالات شبلی، سید امیرعلی، جلد ۶؛ تاریخ الساراسانس، ص ۵۱۴.

۴۹. همان.

۵۰. محمد عبدالقادر، مسلم کرتی، ج ۲، ص ۱۲۵؛ دوزی، ص ۶۱۰.

۵۱. مسلم کرتی، ج ۲، ص ۱۲۹-۱۳۰.

۵۲. همان.

۵۳. تاریخ المكتبات العربية فی اسبانیة، ص ۲۲۳-۲۲۴.

۵۴. مسلم کرتی، ج ۲، ص ۷؛ دوزی، اسبانیة الاسلامیه، ص ۶۱۰.

مؤسسه های فرهنگی، بر سایر مؤسسه هایی که توسط همگنان فاطمیان در سراسر گیتی به وجود آمده بود، پیشی گرفتند.<sup>۵۸</sup> نخستین کتابخانه ای که در قاهره احداث شد، از سوی «العزیز» خلیفه فاطمی (۹۷۵-۹۷۶ م.) بود. هزینه های جاری این کتابخانه و ۳۵ دانشجو، از محل عایدات اوقاف تأمین می شد. این کتابخانه دارای چهارصد هزار و به نقلی، ششصد هزار جلد کتاب بود که در میان آنها ۲۴/۰۰۰ جلد قرآن کریم - که به گونه زیبایی با طلا و نقره تزیین شده بود - وجود داشت.<sup>۵۹</sup> سایر کتابهای این کتابخانه که در موضوعات شریعت، نحو، تجوید، تاریخ، سیره، فلک و شیمی بودند، به تفکیک موضوع، در تاقچه هایی - که در دیوار تعبیه شده بودند - و در اتاقهای جداگانه ای قرار داشتند.

مقریزی (۱۳۴۶-۱۴۴۲ م.) در توصیف این کتابخانه می گوید که این کتابخانه بخشی از کاخ سلطنتی بود که خود به چهل کتابخانه مجزا تقسیم می شد که هر یک هجده هزار جلد کتاب در موضوعات مختلف علوم و معارف کهن در خود داشت. مقریزی ادامه می دهد که: در این کتابخانه دسته های نسخه بردارانی مانند «ابن مقله»، «ابن بواب» و دیگران را دیده ام، در این کتابخانه کرة زمینی که ۲۲۵۰ سال پیش به دست بطلمیوس ساخته شده بود و نیز کرة دیگری وجود داشت که به قیمت پانزده هزار روپیه برای عضدالدوله خریداری شده بود.<sup>۶۰</sup>

تنها شاهان و فرمانروایان نبودند که به ایجاد کتابخانه همت می گماشتند، بلکه عمده استادان نیز با تأسیس کتابخانه شخصی، احساس افتخار و سربلندی داشتند. برای مثال می توان از «ابونصر سیهات بن مرزبان» نیشابوری نام برد. او قسمت اعظم ثروت خویش را

۵۵. تاریخ المکتبات العربیة فی اسبانيا.

۵۶. ابن خلکان، تذکره شیخ ابوعلی سینا.

۵۷. مقالات شبلی، جلد ۶، ص ۱۶۰؛ ای جی. براون، التاریخ الادبی-الفارسی، ج ۱، ص ۳۷۴-۳۷۵.

۵۸. جی. دبلیو. اف. تامسون، المکتبات فی العصر الوسیط، فصل ۱۲، ص ۳۵۳.

۵۹. همان.

۶۰. مقالات شبلی، جلد ۶، ص ۱۶۲.

وی با همتی بلند، در راه جمع آوری کتابهای کمیاب برای کتابخانه خود بذل و بخشش می کرد. گفته اند که وی، برای خرید یک کتاب مبلغ پنج هزار سکه طلای رایج، پرداخت. این کتاب «الفصوص» نام داشت که تألیف «سعید البغدادی» (متوفای ۱۰۲۱ م.) بود.<sup>۵۵</sup>

نوح بن منصور نیز که پادشاه بزرگ بخارا بود، از این قاعده مستثنا نبود. وی اقدام به تأسیس کتابخانه ای کرد که در روزگار ما نیز کتابخانه ای که با آن همسنگ باشد، وجود ندارد. ابن خلکان درباره این کتابخانه گفته است: «تمامی انواع کتابهایی که در موضوعات صنایع، هنر و علوم دیگر وجود داشت، در این کتابخانه زیبا و غنی جمع شده بودند. علاوه بر این، کتابهای منحصر به فردی در این کتابخانه بود که نامی از آن در سایر کتابخانه ها وجود نداشت.»

اظهارات ابن سینا (۹۸۰-۱۰۳۷ م.) درباره این کتابخانه را چنین می خوانیم: «گنجینه کتاب این کتابخانه را که کتابهایی در موضوع فلسفه را در بر دارد ما در دیگر کتابخانه ها ندیده ایم و کسی جز من نیز آنها را ندیده است.»

این کتابخانه دارای ساختمانی معظم و دارای چندین اتاق است. در هر اتاق چندین رف (تاقچه) وجود دارد و کتابها براساس موضوع در این تاقچه ها جای گرفته اند.<sup>۵۶</sup>

نوح بن منصور از استاد گرانقدر، صاحب بن عباد (متوفای ۹۳۸-۹۵ م.) دعوت کرد تا به بخارا آمده و پست وزارت او را تصدی کند، ولی صاحب بن عباد نپذیرفت؛ زیرا وی برای جابجایی کتابهای خود نیازمند چهارصد شتر بود.<sup>۵۷</sup> نوح بن منصور، از شیفتگان فلسفه و دانش و هنر بود. او در انفاق بر استادان هیچ محدودیتی را ملحوظ نمی داشت.

فاطمیان مصر نیز، از این قافله عقب نماندند. آنان تعداد زیادی کتابخانه تأسیس کردند. در حقیقت این



کتابخانه های اصفهان نگهداری می شد و به زبان یونانی تألیف شده بود، به بغداد فرستاده شد. « او می افزاید: «یوحنا بن ماسویه (۷۵۰-۸۵۰ م.) و دیگران، این متون را به خوبی می خواندند. » ۶۳

در تشکیلات سلطان محمد پس از فتح غزنه (۹۹۶-۱۰۳۰ م.)، بیش از چهارصد دانشمند، ادیب و شاعر چون: بیرونی، فردوسی، دقیقی، عنصری، اسجدی و دیگران، حضور داشتند. سلطان محمد در دوره حکومتش، به تأسیس کتابخانه بزرگی همت گمارد. هم در زمان او بود که علم و هنر به حد اعلای شکوفایی رسید. به وجود آمدن حکومت سلجوقیان علاقه و دل بستگی شان به دست آوردهای دانشمندان، منعکس کننده روزگار طلایی عهد عباسی است. طغرل، الب ارسلان و سنجر نیز به پیروی از سایر فرمانروایان، به تأسیس چندین کتابخانه پرداختند. ۶۴

اگر ما در صدد بازگفت خدمات و تلاش مسلمانان صدر اسلام در این زمینه باشیم، ناچار از نوشتن چندین کتاب خواهیم بود. ولی برای پرهیز از اطناب و درازگویی، در این مقاله به برشمردن پاره ای از کتابخانه های قرون وسطی، بسنده می کنیم. در کتاب «سفرنامه مولانا شبلی نعمانی» آمده است که قسطنطنیه ترک، بزرگترین محل جمع آوری کتابهای عربی بود. در این شهر ۴۵ کتابخانه وجود داشت که همگی آنها در کاخ «همایون» قرار داشتند و از قدیمیترین کتابخانه ها به شمار می رفتند.

کتابهای این کتابخانه به هشتاد و پنج هزار جلد می رسید. هر چند که این رقم، ناچیز به نظر می رسد ولی قسطنطنیه به دلیل داشتن کتابهای کمیاب بر سایر کتابخانه ها تفوق داشت. اینک به پاره ای از کتابخانه های قسطنطنیه اشاره می کنیم:

کتابخانه مسجد بایزید

کتابخانه جام یول

کتابخانه حمیدیه قدیم

۶۱. همان.

۶۲. همان، ص ۱۶۴؛ الفهرست، ص ۴۱.

۶۳. مقالات شبلی، جلد ۶، ص ۱۶۵؛ الفهرست، ص ۲۴۱.

۶۴. سید امیرعلی، روح الاسلام، ص ۳۸۱.

صرف تهیه کتاب کرد. وی اکثراً برای دستیابی به کتابهای کمیاب، به بغداد سفر می کرد. ۶۱

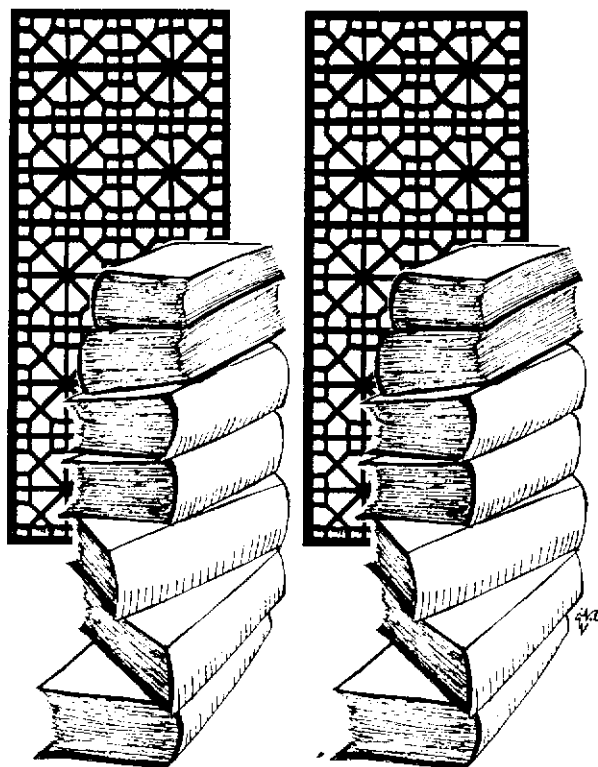
محمد بن حسین بغدادی نیز از کسانی بود که به تأسیس کتابخانه پرداخت. این کتابخانه، به دلیل داشتن مجموعه کتابهای کمیاب و پربها، بی نظیر بود. ابن ندیم می گوید مانند کتابخانه محمد بن حسین را در هیچ کجا ندیده است. ابن ندیم که از مقربان و افراد مورد اعتماد محمد بن حسین بود، می گوید: روزی محمد بن حسین، صندوقی با تعداد بی شماری از دیوان اشعار، دفاتر ثبت و اسنادی که مربوط به گذشته عرب و بر روی پوست و کاغذ نوشته شده بود، به من نشان داد. او گفت این آثار را از خراسان، مصر و چین برایم فراهم آورده اند. در میان آثار یاد شده، نامه های امام علی (ع)، نوشته های امام حسن و امام حسین (علیهم السلام) و نامه های پیامبر اسلام (ص) که به سران قبایل فرستاده شده بود، دیده می شدند. افزون بر آنچه گفته شد، احادیث سفیان ثوری و اوزاعی نیز در این مجموعه مشاهده می شد. من (ابن ندیم) پس از بازدید از این کتابخانه دریافتم که واضع علم نحو، ابوالاسود بوده است. ۶۲

مسلمانان ایران نیز با تلاش سخت، در جستجوی کهنترین کتاب بودند. ابومعشر فلکی می گوید که از دیرباز در ایران کتابخانه بزرگی وجود داشت که مسلمانان آن را تأسیس کرده بودند. این کتابخانه، دارای کتابهای قدیمی بسیاری بود. زمانی که این کتابخانه ویران شد، کتب فراوانی در آن یافت شد که به زبان فارسی کهن (پهلوی) نوشته شده بود و کمتر استادی قادر به خواندن آن بود.

ابن ندیم می گوید: «در سال ۳۵۰هـ/ ۹۶۱م.

تعداد زیادی کتاب از زیر ویرانه های این کتابخانه بیرون آوردیم؛ ولی کسی یافت نمی شد که به خوبی از عهده خواندن این کتابها بر آید.»

ابن عمید نیز چنین می گوید: «در سال ۳۴۰هـ/ ۶۵۱م. تعداد زیادی از این کتابها که در



شده و حاشیه این کتابها با طلا تزیین شده است. ۶۶  
 با توجه به حقایق ذکر شده، انسان می تواند به آسانی  
 به این مطلب پی ببرد که مسلمانان از نهمصد سال پیش،  
 حرکت و قیام بزرگی در ایجاد این گونه تأسیسات به  
 وجود آوردند. البته چندان فرقی نمی کند که این مؤسسات  
 خصوصی باشند و یا عمومی. زمانی به ارزش این اقدام  
 بیشتر پی می بریم که دریابیم، در آن زمان امکانات چاپ  
 نوین وجود نداشته است. در حالی که جهان امروز، جز  
 پاره ای از پیشرفتهای فنی که در دوست سال گذشته به  
 دست آورده است، هیچ گونه پیشرفتی در این زمینه  
 نداشته است و این مسلمانان بودند که در ایجاد کتابخانه ها  
 همواره پیشقدم بوده اند. \*



۶۵. شبلی، سفرنامه، لاهور، پاکستان، ۱۹۶۱.  
 ۶۶. همان.

\* این مقاله ترجمه ای است از مقاله آقای محمد رستم دیوان رئیس بخش  
 زبانهای فارسی و اردوی دانشگاه داکای بنگلادش با عنوان «المکتبات فی  
 العالمین العربی و الاسلامی فی العصر الوسیط» که در مجله المورد، ج ۹،  
 شماره سوم نشر یافته است.

- کتابخانه عاشر افندی
- کتابخانه اسعد افندی
- کتابخانه جام محمد فاتح
- کتابخانه حمیدیه جدید
- کتابخانه علی پاشا
- کتابخانه لاله بای
- کتابخانه اخیل پاشا
- کتابخانه محمد پاشا
- کتابخانه قلیچ علی پاشا
- کتابخانه ولی الدین افندی
- کتابخانه سلیمیه
- کتابخانه فیضی الله افندی
- کتابخانه سلطان محمد قاضی زاده
- کتابخانه عاطف افندی
- کتابخانه شهناز داماد ابراهیم پاشا
- کتابخانه خسرو پاشا
- کتابخانه مهر بهان
- کتابخانه محمد افندی
- کتابخانه مصطفی پاشا
- کتابخانه توفیق افندی
- کتابخانه سلیمانیه
- کتابخانه محمد افندی مراد
- کتابخانه راغب پاشا. ۶۵

مولانا «شبلی نعمان» اضافه می کند: این کتابخانه ها  
 همان گونه که از نامشان برمی آید به دستور پادشاهان  
 پیشین و امیران به وجود آمده اند و تمامی آنها بر روی  
 خوانندگان باز بوده است. همچنین بخش اعظم کسانی  
 که به فراگیری دانش علاقه مند بودند و نیز دانشمندان،  
 تنها به بهره بردن از این مراکز بسنده نمی کردند، بلکه آثار  
 قلمی خود را به این کتابخانه ها اهدا می کردند. از این  
 رهگذر بود که کتابخانه های یاد شده، به آثار منحصر به  
 فردی دست یافتند. برای اداره این کتابخانه ها تشکیلاتی  
 فراهم آمد و دولت نیز در این امر از هر گونه کمک و  
 خدمتی، فروگذار نکرد.

اهمیت و اعتبار کتابخانه حمیدیه به دلیل داشتن  
 کتابهایی است که صفحات بیشتر آنها، با آب طلا منقوش